حقوق و سیاست: حقوق بشر، بازیچه نیست

سادات، سعید

آقای فیروز منصوری در مقاله‏یی با عنوان«حقوق بشر، ابزار استعمارگران»در صفحات 94 تا 96 حافظ شماره‏ی 29 در مورد«حقوق بشر»اشتباه کرده‏اند.البته آقای فیروز منصوری‏ سخنان نادرست در زمینه‏ی فرهنگ و تاریخ و ادبیات،فراوان‏ دارد و از جمله این‏که اولا،سفرنامه‏ی ناصر خسرو قبادیانی را مجعول می‏انگارد.1ثانیا،«راه ابریشم را توطئه‏ی یونسکو» می‏شناسد.2اما این‏که حقوق بشر را«پنبه‏ی استعمارگر،برای‏ بریدن سر و بردن بهره و بر»برشمرده است،3حرف تازه‏یی‏ست‏ که نباید بی‏جواب بماند.سخنان آقای منصوری،نوعی پر و بال دادن به اعتقاد«استاد دانشگاه احمد فردید»معروف است که‏ مفاهیم«عدالت،انصاف،حقوق بشر،آزادی،مردم‏سالاری،مدارا و تسامح و تساهل»همه را نفی می‏کرد و سازمان‏های حقوق‏ بشری را توطئه‏گر می‏دانست و حقوق بشر را ابزاری برای‏ مردم‏فریبی جهان‏خواران معرفی می‏کرد و خلاصه مدار سیاست‏ جهانی را بر زور و خشونت و جلب منافع می‏انگاشت و تمام‏ سازمان‏های فرهنگی و سیاسی بین المللی موجود در سرتاسر عالم را ابزار و آلت فعل صهیونیست‏ها و فراماسون‏ها می‏خواند و همین حرف‏ها را پیروان احمد فردید در حاشیه‏ی فلسفه‏ی‏ هایدگر در مقام تکذیب حقوق بشر و ملل ستم کشیده بر زبان‏ می‏آوردند.این حضرات،همان‏طور که هایدگر طرفدار هیتلر شد، در لباس فلسفه و پژوهش و نقد در مقام نفی و تکذیب لیبرالیسم‏ و مدارا و حقوق بشرند.آقای دکتر احسان نراقی در خاطرات و مصاحبه‏های خود،پنبه‏ی احمد فردید را زده و او را مبلغ مکتب‏ خشونت معرفی کرده و حتا گفته که«سعید امامی»(عامل‏ قتل‏های زنجیره‏یی)هم پیرو فردید بوده است.

خلاصه،تکرار می‏کنم که حقوق بشر و حقوق انسان و عدالت اجتماعی نباید به این آسانی مورد تخطئه و تمسخر قرار گیرد.شواهد ارائه شده در مقاله‏ی جناب آقای فیروزی هم ربطی‏ به حقوق بشر ندارد.به هر روی،در موضوع«بازیچه»خواندن‏ «حقوق بشر»نباید در ماهنامه‏ی ارزشمندی مانند حافظ به‏ مخالفان حقوق نوع بشر فرصت ناروا داد.متاسفانه هستند کسانی که اغلب نادانسته با نفی تئوریک یا استراتژیک حقوق‏ بشر به نقض حقوق بشر مدد می‏کنند.به این افراد نباید میدان‏ اظهار وجود داده شود.

حرف‏های دیگر آقای منصوری هم باورنکردنی و غیر علمی‏ست.مثلا ایشان سفرنامه‏ی ناصر خسرو را ساخته و پرداخته‏ی انگلیسی‏ها!!(در قرن نوزدهم)برای ایجاد فرقه‏ی‏ بهائیت و تقویت صهیونیسم و در نهایت تشکیل دولت اسرائیل‏ قلمداد کرده و نوشته است:

«در نیمه‏ی دوم قرن نوزدهم،دولت انگلیس سرزمین‏ فلسطین را مرکز فعالیت‏های سیاسی قرار داده و جنبش‏ صهیونیستی را پایه‏گذاری می‏کرد و برای تضعیف ایران، فرقه‏های انحرافی...بهائیان....را تقویت می‏نمود».

این سخن را ایشان در حالی می‏گویند که در حافظ «ویژه‏نامه‏ی مشروطیت»(14 امرداد و 1384)و کتاب‏های عصر تیموری هم صحبت از سفرنامه‏ی ناصر خسرو به میان آمده‏ است.چنین اظهارات نامستندی از ناحیه‏ی یک نویسنده، درباره‏ی سفرنامه‏ی ناصر خسرو به من ثابت می‏کند که‏ اظهارات چنین نویسنده‏یی درباره‏ی حقوق بشر هم در ردیف‏ همین گفته‏های غیر مستند و غیر قابل اطمینان است.

در خاتمه باید بگویم که خود استاد امین هم در کتاب‏ کارنامه‏ی غنی؛تحولات عصر پهلوی از دکتر قاسم غنی و انتقاد کرده‏اند که چرا مرد دانشمند و هوشمندی مثل دکتر غنی‏ مشروطیت و حقوق بشر را«بازیچه»ی غربی‏ها قلمداد کرده‏ است؛درحالی‏که آقای فیروز منصوری طوری به مقاله‏ی استاد امین راجع به میسیون ایران در تأسیس سازمان ملل اشاره‏ می‏کند که گویی استاد امین هم با او هم‏عقیده‏اند.

پی‏نوشت‏ها

(1)-فیروز منصوری،نگاهی نو به سفرنامه‏ی ناصر خسرو،انتشارات‏ چابخش؛

(2)-فیروز منصوری،«جاده‏ی ابریشم،توطئه یا واقعیت»،ماهنامه‏ی حافظ، شماره‏ی 31.

(3)-ماهنامه‏ی حافظ،شماره‏ی 29